

بررسی اثربخشی برنامه آموزشی مبتنی بر ۸ اصل تربیتی پیامبر(ص)، بر رشد اجتماعی کودکان ۵ تا ۶ سال

موسی چوپانی^۱، ابراهیم نعیمی^۲، سیدصدرالدین شریعتی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۱۵

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی برنامه آموزشی مبتنی بر ۸ اصل تربیتی پیامبر(ص) (شناسایی از طریق بررسی احادیث پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)) بر رشد اجتماعی کودکان ۵ تا ۶ سال می‌باشد. پژوهش حاضر از نوع آزمایشی با پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بوده است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام خانواده‌های دارای فرزندان ۵ تا ۶ سال منطقه ۱۵۰۰ خانواری کشتارگاه از شهرستان شاهیندژ می‌باشد که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده (روش قرعه‌کشی) تعداد ۱۰۰ خانوار انتخاب شدند که تعداد ۴۸ خانوار حاضر به شرکت در پژوهش شدند. سپس آزمودنی‌ها به طور کاملاً تصادفی به دو گروه آزمایشی و کنترل تقسیم شدند که هر گروه تشکیل شده شامل ۲۰ خانواده بودند. سپس ۸ اصل تربیتی پیامبر در قالب ۸ جلسه آموزشی به والدین گروه آزمایش، آموزش داده شد و سپس از طریق والدین به فرزندان‌شان منتقل شد یا آموزش داده شد ولی آزمودنی‌های گروه کنترل هیچگونه آموزشی دریافت نکردند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش مقیاس رشد اجتماعی واینلند بود. آموزش برنامه تربیتی مبتنی بر ۸ اصل تربیتی پیامبر باعث افزایش رشد اجتماعی کودکان ۵ تا ۶ سال شده است. با توجه به نقش و اهمیت سال‌های اولیه زندگی و محیط خانواده بر رشد کودک در ابعاد مختلف شناختی، جسمانی، عاطفی و اجتماعی و با تأکید بر فرهنگ دینی جامعه ایرانی و تأثیرپذیری زیاد مردم از آموزه‌های دینی، از این برنامه آموزشی می‌توان برای ایجاد، بهبود و شکوفایی رشد کودک به ویژه در بعد اجتماعی استفاده بکنیم.

واژگان کلیدی: برنامه آموزشی، ۸ اصل تربیتی پیامبر، رشد اجتماعی، کودکان

۱. کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه علامه طباطبائی. mousachoupani@gmail.com

۲. استادیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی

۳. دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

رشد اجتماعی یکی از جنبه‌های مهم رشد انسان می‌باشد و تمایل ذاتی انسان به برقراری رابطه اجتماعی و نیز ضروری بودن تماس با دیگران برای حفظ بقا، اهمیت این جنبه از رشد انسان را آشکار می‌سازد (کافی، زینعلی، جاوید و میان‌نهری، ۱۳۹۲). رشد اجتماعی فرآیندی است که از طریق آن فرد آگاهی‌ها، ارزش‌ها، برقراری روابط اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی را کسب می‌کند و این اکتسابات او را قادر می‌سازد که با جامعه وحدت یابد و به نحوی انطباق‌یافته رفتار کند (نظیری، ۱۳۸۱). این جنبه از رشد انسان شامل رشد در مهارت‌های ارتباطی، دوست‌یابی، نوع‌دوستی، درستکاری، دفاع از خود، همدلی، تعلق، انگیزه پیشرفت، بازی و تفریح، استقلال و مهارت‌های کمک به خود و رفتارهای مورد پذیرش اجتماع است (بولکی، بیرد و ساکس^۴، ۲۰۰۲، به نقل از دامون و لرنر، ۲۰۰۸). به عقیده ویکوتسکی^۲ (۱۹۷۸) و بندورا^۳ (۱۹۷۷) تعامل اجتماعی یک منبع غیرقابل اجتناب از رشد روانی کودکان است (مقتدری، ۱۳۹۰). این جنبه از رشد اساس زندگی فرد را تشکیل می‌دهد و تحقق رشد عقلانی فرد را به دنبال دارد (مقتدری و رفاهی، ۱۳۹۰) و به مقدار چشمگیری در موفقیت شغلی و موفقیت در روابط اجتماعی مؤثر است (جلیلود و غباری، ۱۳۸۳). مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر رشد اجتماعی فرد عبارت‌اند از: محیط و جو تربیتی حاکم بر آن، توانایی‌های شناختی و زبانی، انتظارات و مدیریت کودک که مهم‌ترین آن‌ها که حتی سایر موارد را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد خانواده و جو تربیتی حاکم بر آن می‌باشد (بولکی و ساکس، ۱۹۸۷، به نقل از دامون و لرنر، ۲۰۰۸). اریک اریکسون رشد اجتماعی را تا حد زیادی به سال‌های پیش از دبستان مربوط می‌داند و معتقد است که در این دوره مهارت‌های اجتماعی نظیر کنترل هیجان‌ها، درک افکار و احساسات خود و دیگران و توانایی پاسخگویی عاطفی و قدرت همدلی تا حد زیادی شکل می‌گیرد (شولتز و شولتز^۴، ۲۰۰۲).

-
1. Boolky and Beird and Sacks
 2. Vigotsky
 3. Bendora
 4. SHoltz and SHoltz
 5. Ericksoon

بسیاری از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان به ویژه بیش تر نظریه‌های رشدی نظیر (نظریه روانکاوی، فروید، ۱۹۴۰؛ نظریه فرهنگی اجتماعی، ویگوتسکی، ۱۹۷۸؛ نظریه یادگیری اجتماعی، بندورا، ۱۹۷۷؛ نظریه دلبستگی، بولی، ۱۹۵۸) بر اهمیت فرآیند تعاملی سال‌های اولیه زندگی در رشد اجتماعی و عاطفی فرد و نقش آن در شکل دادن به زیربنای شخصیت فرد تأکید می‌کنند (جعفری، ۱۳۹۳؛ علی‌پور، ۱۳۹۳). خانواده محور آغازین جامعه‌پذیری افراد و تربیت اجتماعی آن‌ها و مهم‌ترین عامل تداوم نسل، تربیت‌پذیری و رخنه ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در شخصیت کودک می‌باشد (حسینی، ۱۳۹۳؛ نجفی و احمدی، ۱۳۹۱). کودک در لحظه تولد ارگانسمی بیش نیست و با تأثیر از اطرافیان خویش به ویژه در خانواده و از طریق ارتباط با هم‌شیرها و والدین، بسیاری از ارزش‌های اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی را فرامی‌گیرد و رشد اجتماعی خویش را تحقق می‌بخشد (آقاپور، جمشیدی و فرخی، ۱۳۸۴؛ دولینگ، ۲۰۰۵). پژوهش‌های زیادی افزایش میزان مشکلات ناشی از عدم رشد اجتماعی کافی نظیر: افسردگی، اضطراب اجتماعی، انزوای اجتماعی، پرخاشگری، طرد اجتماعی، ناتوانی در ایجاد دوستی‌های پایدار، وحشت اجتماعی و عزت نفس پایین را نشان می‌دهد (لیبرمن، به نقل از امیرتاش و همکاران، ۱۳۸۵، کلخوران، همایون‌نیا و محمدزاده، ۱۳۹۴).

جاکوب اریکسون^۵ (۲۰۰۷) بیان می‌کند که تجارب اجتماعی و ارتباطی کودک در سال‌های اولیه زندگی با والدین با رشد اجتماعی کودک در جهت مثبت_منفی ارتباط دارد، بدین معنی که به کارگیری برنامه تربیتی و ارتباطی مناسب با کودک توسط والدین تسهیل‌کننده رشد اجتماعی و ایجادکننده مهارت‌های اجتماعی در کودک می‌باشد و بالعکس نداشتن برنامه تربیتی مناسب یا به کارگیری برنامه تربیتی نامناسب زمینه را برای شکل‌گیری رفتارهای ضداجتماعی در کودک باز می‌کند. سازمان خدمات انسانی و سلامتی (۲۰۰۶) گزارش می‌کند که ارتباط اولیه مناسب در سال‌های آغازین با کودک به ویژه ارتباط پدر با کودک میزان رشد اجتماعی کودک را مشخص کرده و مهارت‌های اجتماعی در وی را پرورش می‌دهد و احتمال مبتلا شدن به افسردگی، گوشه‌گیری و رفتارهای ضداجتماعی را در کودک کاهش می‌دهد. کیفیت دلبستگی و ارتباط در سنین آغازین زندگی پیش‌بینی‌کننده: رشد اجتماعی کودک و قدرت تعامل وی، رشد شخصیت، کیفیت ارتباط

با همسالان، رفتارهای اجتماعی و ضداجتماعی و مشکلات رفتاری است (برلین و کاسیدی، ۱۹۹۵ به نقل از ابری، حاج یوسفی، حاج بابایی و رهگذر، ۱۳۹۰). کودکانی که در سال‌های اولیه زندگی شرایط کافی برای رشد بعد اجتماعی شخصیت آن‌ها فراهم نشده است، نسبت به کودکانی که از این شرایط برخوردار بوده‌اند با مشکلات بیش‌تری جهت سازگاری با محیط اجتماعی بیرون مواجه می‌شوند (آشلی، ۲۰۱۰). براساس تئوری دلبستگی جان بولبی کودکانی که از یک ارتباط دلبستگی ایمن با والدین‌شان بهره‌مند بوده‌اند از امنیت حاصل از این ارتباط به عنوان حمایتی برای ریسک کردن و کاوش در محیط بیرونی استفاده می‌کنند (ماکویی، ۱۹۹۳) و به میزان بیش‌تری در ارتباطات اجتماعی بیرون از محیط خانواده درگیر می‌شوند و از رشد اجتماعی بیش‌تری برخوردار هستند (آینشورت، ۱۹۷۸ به نقل از مهبد و فولادچنگ، ۱۳۹۱). فرآیند تربیتی خانواده و نحوه ارتباطی که والدین در قالب آن با کودکان خویش برقرار می‌کنند تعیین‌کننده رشد عاطفی اجتماعی کودک می‌باشد و پیش‌بینی‌کننده قابل اطمینانی برای رشد موفقیت‌آمیز مهارت‌های اجتماعی_عاطفی در دوره‌های بعدی می‌باشد، بدین معنا که برنامه‌های تربیتی مناسب تضمین‌کننده رشد مهارت‌های عاطفی_اجتماعی و بالعکس نبود برنامه تربیتی مناسب، از رشد این مهارت‌ها تا حد زیاد جلوگیری می‌کند (توومینی و رایورس، ۲۰۱۲). پژوهش‌های زیادی افزایش میزان مشکلات ناشی از عدم رشد اجتماعی کافی نظیر: افسردگی، اضطراب اجتماعی، انزوای اجتماعی، پرخاشگری، طرد اجتماعی، ناتوانی در ایجاد دوستی‌های پایدار، وحشت اجتماعی و عزت‌نفس پایین را نشان می‌دهد که محیط تربیتی نامطلوب را از مهم‌ترین علت این مشکلات به حساب می‌آورند (لیبرمن، به نقل از امیرتاش و همکاران، ۱۳۸۵، روسلی، ۲۰۰۹).

دین مبین اسلام نیز مسئله تربیت را به شدت مد نظر قرار داده و آن را روشن‌کننده و مشخص‌کننده مسیر زندگی فرد می‌داند به گونه‌ای که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ وَ اِنَّمَا اَبْوَاهُ يَهُودَانِهٖ اَوْ نَصْرَانِهٖ اَوْ يَمَجْسَانِهٖ»: هر کودکی بر فطرت پاک و سرشت اسلام متولد می‌شود و این والدینش هستند که وی را یهودی، نصرانی و یا مجوسی می‌گرداند (نور سوید، ۱۳۷۵، ترجمه سعیدی، ۱۳۸۶). دین مبین اسلام از تربیت‌کنندگان جامعه (والدین، معلمین) می‌خواهد که در کنار آموزش کودکان تربیت آن‌ها را نیز مد نظر

قرار دهند و با ایجاد زمینه‌ها و امکانات مناسب به بهترین شیوه اصول تربیتی پیامبر اکرم (ص) را جهت رشد صحیح قوای جسمانی و روانی فرزندان خویش به کار ببرند که علاوه بر سودمندی فردی، علاقه اجتماعی چنان در وجودشان هویدا شود که جامعه نیز بیشترین سود را از آن‌ها ببرد (سعیدی، ۱۳۷۷). لذا ما در این پژوهش قصد داریم که اصول تربیتی را که پیامبر اکرم (ص) در جهت رشد اجتماعی کودک به کار گرفته بودند را از طریق بررسی احادیث دینی و کتاب ارزشمند تربیت کودک از دیدگاه پیامبر نوشته محمدنور سوید شناسایی و اثربخشی آن را در شکوفا کردن رشد و علاقه اجتماعی کودک مورد ارزیابی قرار دهیم، که در این بررسی تعداد ۸ اصل تربیتی را در بعد اجتماعی استنباط کردیم که عبارت‌اند از: ۱. عادت دادن کودک به سلام و احوالپرسی کردن ۲. اجازه دادن به کودک برای رفتن به خانه خویشاوندان نیکوکار خود و شب را در آن‌جا خوابیدن یا طی کردن ۳. فرستادن کودک برای انجام دادن نیازمندی‌های خود و سایر اعضای خانواده ۴. انتخاب دوست صادق برای کودک از میان سایر کودکان و تشویق وی برای تعامل با وی ۵. عادت دادن کودک به امر خرید و فروش ۶. عیادت نمودن از کودک به هنگام بیمار شدنش ۷. کودک را به همراه خود به مجالس بزرگان بردن ۸. حضور کودک در گردهم‌آیی‌های مشروع و مجالس عروسی. در واقع پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال است که آیا آموزش این اصول تربیت اجتماعی پیامبر اکرم (ص) در رشد اجتماعی کودکان تأثیر دارد؟

روش پژوهش

این پژوهش که در سال ۱۳۹۴ انجام شده است از نوع پژوهش آزمایشی با پیش‌آزمون پس‌آزمون و گروه کنترل و پیگیری است. ابتدا مشخصات فردی آزمودنی‌ها با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری شد و سپس آزمون رشد اجتماعی واینلند بر روی آن‌ها اجرا شد و میزان رشد اجتماعی آن‌ها به طور دقیق مشخص شد. سپس آزمودنی‌ها به طور کاملاً تصادفی به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند که هر گروه شامل ۲۰ کودک ۵ تا ۶ سال بود. که آزمودنی‌های گروه آزمایش تعداد ۸ جلسه آموزشی، هر هفته ۲ جلسه، به مدت

۴۵ دقیقه دریافت کردند که در هر جلسه یکی از اصول تربیتی پیامبر آموزش داده شد. آموزش در مرحله اول به والدین آزمودنی‌ها، داده شد و سپس از والدین به آزمودنی‌ها (کودکان ۵ تا ۶ سال) انتقال داده شد. اما گروه کنترل هیچگونه آموزشی دریافت نکردند. همچنین پرسشنامه رشد اجتماعی واینلند در هر دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون بر روی هر دو گروه کنترل و آزمایش اجرا شد.

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش شامل تمام خانوارهای دارای فرزندان ۵ تا ۶ سال منطقه ۱۵۰۰ خانواری کشتارگاه از شهرستان شاهیندژ بودند که طی بررسی‌های به عمل آمده توسط پژوهشگر تعداد ۲۸۴ خانوار دارای فرزندان ۵ تا ۶ سال بودند. بر همین اساس و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده (از نوع قرعه‌کشی) تعداد ۱۰۰ خانوار برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند که با آگاه کردن آن‌ها تعداد ۴۸ خانوار حاضر به شرکت در پژوهش شدند که به طور تصادفی به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند که هر گروه شامل ۲۰ آزمودنی بود.

ابزار اندازه‌گیری

در این پژوهش برای اندازه‌گیری رشد روانی کودکان ۵ تا ۶ ساله از پرسشنامه رشد اجتماعی واینلند استفاده شده است. این پرسشنامه در سال (۱۹۵۳) توسط ادگار تهیه و تدوین گردید در مدرسه آموزشی واینلند منتشر شد که در جهت رشد اجتماعی ارتش آمریکا مورد استفاده قرار گرفت (پرستار، ۱۳۸۸) و آخرین بار در سال (۱۹۶۵) توسط اسپارو، بالا و سی چتی تجدید نظر شد. این مقیاس در سال (۱۳۵۷) توسط محمدتقی براهنی، ولی اخوت و لقمان دانشمند ترجمه و رواسازی شد. این مقیاس توانایی افراد را در برآورده کردن نیازهای عملی خود و قبول مسئولیت مورد سنجش قرار می‌دهد و یک دوره سنی تولد تا ۲۵ سالگی و بالاتر از آن را در بر می‌گیرد تا سن ۱۲ سالگی برای هر گروه سنی سؤال‌های مجزا در نظر گرفته شده است ولی از سن ۱۲ سالگی به بعد، بین ۱۲ تا ۱۵ سالگی، ۱۵ تا ۱۸ سالگی، ۱۸ تا ۲۰ سالگی ۲۰ تا ۲۵ سالگی به بالا دارای سؤال‌های مشترک می‌باشد. اساس این مقیاس سنجش توانایی فرد در انجام ۸ ماده خودیاری عمومی، خودیاری در غذا خوردن، خودیاری در لباس

پوشیدن، اشتغال، جابجایی، خودفرمانی، ارتباط زبانی و اجتماعی شدن می‌باشد که با توجه به نمره‌های حاصل از این مقیاس می‌توانیم سن اجتماعی و بهره‌های اجتماعی فرد را بسنجیم. در نمره‌گذاری آزمون علامت (+) نشان آن است که کودک عمل مورد نظر را با موفقیت انجام می‌دهد و یک نمره مثبت می‌گیرد و علامت (-) نشان از ناتوانی فرد در انجام آن عمل است که در این صورت نمره‌ای به وی تعلق نمی‌گیرد. علامت (NH+) نشان از آن است که کودک می‌تواند آن عمل را انجام دهد ولی فرصت انجام آن را نداشته است. اگر (NH+) میان دو علامت مثبت قرار بگیرد فرد یک نمره مثبت می‌گیرد و اگر دو سؤال مورد نظر یکی مثبت و دیگری منفی باشد فقط نیم نمره مثبت به فرد تعلق می‌گیرد ولی اگر هر دو سوال منفی باشد نمره‌ای به فرد تعلق نمی‌گیرد. علامت (f+) نشانه‌ی آن است که کودک معذوریتی غیرقابل برگشت دارد مثل نقص عضو که در این صورت نمره‌ای به وی تعلق نمی‌گیرد. علامت (+-) نشانه‌ی آن است که کودک گاهی می‌تواند عملی را انجام دهد و گاهی نمی‌تواند که در این حالت فقط نیم‌نمره به وی تعلق می‌گیرد (جعفری، ۱۳۹۲). ضریب روایی این آزمون ۸۷ درصد و ضریب پایایی آن ۹۲ درصد گزارش شده است (آناستازی، ۱۳۷۱، ترجمه‌براهنی). اعتبار و روایی مقیاس واینلند در مورد ۶۲۰ نفر در هر یک از گروه‌های سنی شامل ۱۰ پسر و ۱۰ دختر از تولد تا ۳۰ سالگی، هنجاریابی و ضریب اعتبار یا بازآزمایی ۱۲۳ نفر، ۹۲ درصد گزارش شده است (لاریجانی، ۱۳۸۰، به نقل از زادشیر و همکاران، ۱۳۷۸) زادشیر و همکاران (۱۳۸۸) اعتبار درونی آزمون را به روش همسانی درونی و از طریق آلفای کرونباخ ۶۸ درصد به دست آورده‌اند (جعفری، ۱۳۹۲).

نتایج

آمار توصیفی و استنباطی و آزمون فرضیات

درابتدا، پیش از آزمون فرضیات به منظور انتخاب صحیح آزمون‌های آماری لازم است تا وضعیت نرمال بودن توزیع داده‌ها و برابری واریانس‌ها برای هرکدام از آزمون‌ها بررسی شود. با توجه به طرح پژوهش حاضر که از نوع پیش‌آزمون، پس‌آزمون بود، برای تحلیل

داده‌ها و به منظور کنترل اثر پیش‌آزمون و پس‌آزمون از روش تحلیل کوواریانس چندمتغیری استفاده شد. در این نوع تحلیل باید شرط‌های زیر رعایت گردد تا بتوان به نتایج منتج شده اطمینان کرد. یکی از مفروضه‌های آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیری، بررسی همسانی ماتریس‌های واریانس-کوواریانس می‌باشد که بدین منظور از آزمون باکس استفاده شده است.

جدول ۱. آزمون باکس برای بررسی برابری ماتریس‌های واریانس-کوواریانس متغیرها

متغیرها	box-M	F	Sig
پیش‌آزمون	۵/۹۲	۱/۸۲۱	۰/۱۴
پس‌آزمون	۱۱/۹	۱/۵۹	/۷۲
پیگیری	۱۰/۷	۱/۳	/۵۳

نتایج حاصل از نشان می‌دهد که میزان معناداری آزمون باکس از (0/05) بیشتر است لذا نتیجه گرفته می‌شود که ماتریس واریانس کوواریانس‌ها همگن می‌باشند. اما فرض مبنی بر برابری واریانس‌ها در جدول زیر با آزمون لون بررسی گردید:

جدول ۲. آزمون لون

متغیرها	F	Df ₁	Df ₂	سطح معناداری
خودیاری عمومی	۲/۶	۱	۲۸	۰/۱
خودیاری در پوشیدن	/۵	۱	۲۸	۰/۰۷
خودیاری در خوردن	۳/۹۵	۱	۲۸	۰/۳
خودرهبری	۱/۹۲	۱	۲۸	/۱۸
مسائل شخصی	۲/۶۸	۱	۲۸	۰/۲۰
جابجایی	۱/۲	۱	۲۸	۰/۹
ارتباط	۱/۵	۱	۲۸	۰/۴۵
اجتماعی بودن	۲/۳	۱	۲۸	۰/۱۶

برای بررسی همگونی واریانس دو گروه در مرحله پس‌آزمون، از آزمون همگونی واریانس‌های لوین استفاده شد. آزمون لوین محاسبه شده در مورد هیچ یک از متغیرهای

مورد بررسی از لحاظ آماری معنی دار نبود [پس آزمون‌ها؛ خودیاری عمومی ($P = 1 > 0/05$)، خودیاری در پوشیدن ($P = 72 > 0/05$)، خودیاری در خوردن ($P = 3 > 0/05$)، خودرهبری ($P = 20 > 0/05$)، مسائل شخصی ($P = 9 > 0/05$)، جابجایی ($P = 45 > 0/05$)، ارتباط ($P = 16 > 0/05$)، و اجتماعی بودن ($P = 18 > 0/05$)]. بنابراین در سطح پس آزمون مفروضه همگونی واریانس‌ها تأیید شد. برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها نیز از آزمون شاپیرو ویلک استفاده گردید:

جدول ۳. آزمون کالموگروف اسمیرنوف

پیش آزمون		پس آزمون			پیگیری	
میانگین	انحراف استاندارد	Asymp. Sig	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	Asymp. Sig
۱۱/۹۳	۶/۳	/۹	۱۸/۱۳	۹/۸	۳۱	۱۹/۴
				۸/۸	۸/۸	/۶

نتایج نشان داد که در سه سطح آزمون، توزیع داده‌ها طبیعی است، به این دلیل که در هیچ‌کدام معنادار نبود ($p > 0/05$) و فرض صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع تأیید می‌شود. مفروضه مهم دیگر تحلیل کوواریانس چندمتغیری، همگونی ضرایب رگرسیون است. لازم به ذکر است که آزمون همگونی ضرایب رگرسیون از طریق تعامل پیش آزمون زیر مقیاسهای رشد اجتماعی با متغیر مستقل (روش درمان) در مرحله پس آزمون مورد بررسی قرار گرفت. تعامل این پیش آزمون‌ها با متغیر مستقل معنادار نبوده و حاکی از همگونی ضرایب رگرسیون می‌باشد این مفروضه در ارتباط با مرحله پس آزمون می‌باشد. [پس آزمون‌ها؛ خودیاری عمومی ($P = 6 > 0/05$)، خودیاری در پوشیدن ($P = 3 > 0/05$)، خودیاری در خوردن ($P = 69 > 0/05$)، خودرهبری ($P = 89 > 0/05$)، مسائل شخصی ($P = 64 > 0/05$)، جابجایی ($P = 11 > 0/05$)، و ارتباط ($P = 18 > 0/05$)] و در اجتماعی بودن ($P = 03 < 0/05$) مفروضه همگونی ضرایب رگرسیون تأیید شد. که نتایج در جدول زیر آمده است:

جدول ۴. نتایج آزمون بررسی پیش فرض همگنی شیب‌های خط رگرسیون متغیرهای تحقیق

میزان اثر تعاملی		متغیرها	منبع تغییرات
Sig	F		
۰/۶۶	۰/۶۷	خودداری عمومی	تعامل گروه * پیش‌آزمون
۰/۳	۲/۷	خودداری در پوشیدن	
۰/۳۱	۱/۳۳	خودداری در خوردن	
۰/۶۹	۰/۶۱	خودرهبری	
۰/۸۹	۰/۲۵	مسائل شخصی	
۰/۶۴	۰/۶۹	جابجایی	
۰/۱۱	۲/۹	ارتباط	
۰/۴	۱/۴	اجتماعی بودن	

با برقراری همه پیش‌فرض‌ها حال به اجرای آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیره می‌پردازیم:

جدول ۵. نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیره (مانکوا) بر روی میانگین نمرات پس‌آزمون متغیر رشد اجتماعی

اثر	F	Hypothesis df	Error df	Sig	Partial Eta Squared.
اثر بیلابیلی	۹/۹	۸	۳۰	۰/۰۰۱	۰/۷۲
لانداوی ویلکز	۹/۹	۸	۳۰	۰/۰۰۱	۰/۷۲
اثر هتلینگ	۹/۹	۸	۳۰	۰/۰۰۱	۰/۷۲
ریشه‌روی	۹/۹	۸	۳۰	۰/۰۰۱	۰/۷۲

همان طوری که در جدول بالا نشان داده شده است، با کنترل پیش‌آزمون، سطوح معنی‌داری همه آزمون‌ها بیانگر آن هستند که بین کودکان گروه‌های آزمایش و کنترل حداقل از لحاظ یکی از متغیرهای وابسته (رشد اجتماعی) تفاوت معنی‌داری مشاهده می‌شود. کودکان گروه‌های آزمایش و کنترل حداقل از لحاظ یکی از متغیرهای وابسته (رشد اجتماعی) تفاوت معنی‌داری مشاهده می‌شود. آماره چندمتغیره مربوطه یعنی لامبدای ویلکز در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\alpha = 0/05$) معنی‌دار می‌باشد ($F(1_30)=9/9$) و ($P < 0/05$ و $n^2 = /72$)، بدین ترتیب فرض صفر آماری رد و مشخص می‌گردد که

ترکیب خطی متغیرهای وابسته میزان پس آزمون‌ها پس از تعدیل تفاوت‌های دو متغیر همپراش پیش آزمون، رشد اجتماعی از متغیر مستقل روش درمان تأثیر پذیرفته است (مرحله پس آزمون). بنابراین نتیجه می‌گیریم که تحلیل کوواریانس چندمتغیری به طور کلی معنادار است، به عبارت دیگر نتایج تحلیل نشان می‌دهد که روش درمان برنامه آموزشی مبتنی بر هشت اصل تربیتی پیامبر بر رشد اجتماعی کودکان بر ترکیب خطی متغیرهای وابسته (پس آزمون با زیر مقیاس‌های شان) مؤثر بوده است و تفاوت میانگین‌های این دو گروه، روی ترکیب خطی دو متغیر وابسته مذکور، قابل اعتماد می‌باشد.

با توجه به اینکه آزمون چندمتغیری مذکور معنادار بوده و ترکیب خطی متغیر وابسته از متغیر مستقل (روش درمان) اثر پذیرفته است لذا بعد از آن به بررسی این موضوع می‌پردازیم که آیا هر کدام از متغیرهای وابسته، به طور جداگانه از متغیر مستقل اثر پذیرفته است یا خیر. به عبارت دیگر، چون بیش از یک متغیر وابسته داریم باید با تحلیل کوواریانس ساده برای هر کدام از این متغیرهای وابسته (در حکم آزمون‌های تعقیبی) بررسی بیشتری به عمل آورد تفاوت مشاهده شده در ترکیب خطی به واقع کجاست. ابتدا میانگین و انحراف استاندارد هر کدام از خرده‌مقیاس‌ها یا مؤلفه‌ها را بررسی می‌کنیم:

جدول ۶. آمار توصیفی متغیرهای وابسته (خرده‌مقیاس‌ها) رشد اجتماعی

متغیر	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	تعداد
پیش آزمون	آزمایش	۱۱/۸	۲/۹	۲۰
	کنترل	۱۰/۴	۴/۹	
خودیاری عمومی	پس آزمون	۱۲/۱	۲/۸	۲۰
	کنترل	۱۱/۵۲	۴/۵	
پیگیری	آزمایش	۱۲/۴	۰/۸۶	۲۰
	کنترل	۱۱	۴/۴	
خودیاری و پوشیدن	پیش آزمون	۲/۱۷	۱/۴۲	۲۰
	کنترل	۲/۶	۲/۲	
پس آزمون	آزمایش	۷/۳	۲/۱	۲۰
	کنترل	۳/۲	۲/۶	
پیگیری	آزمایش	۷/۵	۲/۲	۲۰

		۲/۷	۳/۸	کنترل		
		۳/۱	۶/۲	آزمایش	پیش آزمون	
۲۰		۳/۴	۵/۶	کنترل		
		۲/۶	۵/۸	آزمایش	پس آزمون	خودیاری در خوردن
		۳/۵	۵/۵	کنترل		
۲۰		۲/۶	۵/۶	آزمایش	پیگیری	
		۳/۵	۵/۴	کنترل		
		/۳	/۱۲	آزمایش	پیش آزمون	
۲۰		۱/۳	/۵	کنترل		
		۱/۲	۱/۵۷	آزمایش	پس آزمون	خودرهبی
		/۸۷	/۸۵	کنترل		
۲۰		۱/۲	۱/۶	آزمایش	پیگیری	
		/۸۹	۱/۱	کنترل		
۲۰		۱/۸	۲/۷	آزمایش	پیش آزمون	
		۲/۸	۴/۱	کنترل		
		۲/۱	۸/۴۲	آزمایش	پس آزمون	مسائل شغلی
۲۰		۲/۷	۴/۴	کنترل		
		۲/۱	۸/۸	آزمایش	پیگیری	
		۲/۷	۴/۴	کنترل		
۲۰		۱/۲	۲/۱	آزمایش	پیش آزمون	
		۱/۸	۲/۹	کنترل		
		/۹۷	۶/۹۷	آزمایش	پس آزمون	جابجایی
۲۰		۱/۹	۳/۲	کنترل		
		۱/۰۸	۷/۸	آزمایش	پیگیری	
		۲/۱	۳/۵	کنترل		
۲۰		۱/۱	۲/۲۵	آزمایش	پیش آزمون	
		۲/۰۳	۳/۵	کنترل		
		۱/۶	۶/۲	آزمایش	پس آزمون	ارتباط
		۱/۹	۳/۴	کنترل		
۲۰		۱/۷	۶/۵	آزمایش	پیگیری	
		۲/۰۸	۳/۷	کنترل		

۲۰	۱/۱	۲/۵	آزمایش	پیش آزمون	اجتماعی بودن
	۲/۱	۳/۲	کنترل		
	۱/۲	۶/۳۵	آزمایش	پس آزمون	
	۲/۱	۳/۵	کنترل		
۲۰	۱/۳	۶/۴	آزمایش	پیگیری	
	۲/۲	۳/۸	کنترل		
نمره کلی	۷/۸	۳۱/۰۲	آزمایش	پیش آزمون	
	۱۱/۲	۳۲/۱	کنترل		
	۹/۶	۵۶/۶	آزمایش	پس آزمون	
	۱۵/۵	۳۴/۸	کنترل		
پیگیری	۷/۶	۵۴/۶	آزمایش		
	۱۴/۳	۳۸/۳	کنترل		

بررسی فرضیه‌های پژوهش:

فرض اول: آموزش مبتنی بر هشت اصل تربیتی پیامبر بر مؤلفه خودیاری عمومی رشد اجتماعی کودکان مؤثر است.

جدول ۷. نتایج تحلیل کوواریانس یک طرفه روی میانگین نمرات پس آزمون خودیاری عمومی

متغیر	منبع تغییرات	SS	DF	MS	F	Sig	مجدوراتا
خودیاری عمومی	پیش آزمون	۱۳۴/۴	۱	۱۳۴/۴	۱۲/۰۹	۰/۰۰۰	-
	گروه	۲۰/۰۴	۱	۲۰/۰۴	۱/۸	۱/۸۸	۰/۰۴
	خطا	۴۱۱/۴	۳۷	۱۱/۱			

همان طوری که در جدول مشاهده می‌شود با کنترل پیش آزمون، بین افراد گروه‌های آزمایش و کنترل از لحاظ متغیر مذکور تفاوت معنی داری مشاهده نمی‌شود ($p=0/188$) و ($F=1/8$). به عبارت دیگر، آموزش مبتنی بر هشت اصل تربیتی پیامبر بر مؤلفه خودیاری عمومی رشد اجتماعی کودکان مؤثر نیست، و موجب افزایش معناداری خودیاری عمومی در گروه آزمایش نشده است.

فرض دوم: آموزش مبتنی بر هشت اصل تربیتی پیامبر بر مؤلفه خودیاری در پوشیدن رشد اجتماعی کودکان مؤثر است.

جدول ۸. نتایج تحلیل کوواریانس یک طرفه بر روی میانگین نمرات پس آزمون خودیاری در پوشیدن

متغیر	منبع تغییرات	SS	DF	MS	F	Sig	مجذوراتا
خودیاری و پوشیدن	پیش آزمون	۴۶/۰۶	۱	۴۶/۰۶	۹/۴۹	۰/۰۴	-
	گروه	۱۳۲/۲	۱	۱۳۲/۲	۲۷/۷	۰/۰۰۱	/۴۲
	خطا	۱۷۹/۵۳	۳۷	۴/۸			

همان طوری که در جدول (۸) مشاهده می شود با کنترل پیش آزمون متغیر خودیاری در پوشیدن، بین افراد گروه های آزمایش و کنترل از لحاظ متغیرهای مذکور تفاوت معنی داری مشاهده می شود ($F=۱۶/۷$ و $p=۰/۰۱$). به عبارت دیگر، آموزش مبتنی بر هشت اصل تربیتی پیامبر بر مؤلفه خودیاری پوشیدن رشد اجتماعی کودکان مؤثر است و باعث افزایش در گروه آزمایش شده است و ۴۲ درصد تفاوت های فردی در نمرات پس آزمون متغیر خودیاری در پوشیدن مربوط به تاثیر آموزش اصول تربیتی می باشد.

فرض سوم: آموزش مبتنی بر هشت اصل تربیتی پیامبر بر مؤلفه خودیاری در خوردن رشد اجتماعی کودکان مؤثر است.

جدول ۹. نتایج تحلیل کوواریانس یک طرفه بر روی میانگین نمرات پس آزمون خودیاری در خوردن

متغیر	منبع تغییرات	SS	Df	Ms	F	Sig	مجذوراتا
خودیاری در خوردن	پیش آزمون	۳۹/۶	۱	۳۹/۶	۴/۴۷	۰/۰۵۱	-
	گروه	۱/۳۸	۱	۹/۳۹	۱/۰۲	/۹	۰۰۰
	خطا	۳۲۷/۶	۳۷	۸/۸			

همان طوری که در جدول (۹) مشاهده می شود با کنترل پیش آزمون متغیر خودیاری در خوردن، بین افراد گروه های آزمایش و کنترل از لحاظ متغیرهای مذکور تفاوت معنی داری مشاهده نمی شود ($F=۱/۰۲$ و $p=۰/۹$). به عبارت دیگر، آموزش مبتنی بر هشت اصل تربیتی پیامبر بر مؤلفه خودیاری خوردن رشد اجتماعی کودکان مؤثر نیست و باعث افزایش در گروه آزمایش نشده است.

فرض چهارم: آموزش مبتنی بر هشت اصل تربیتی پیامبر بر مؤلفه رهبری رشد اجتماعی کودکان مؤثر است.

جدول ۱۰. نتایج تحلیل کوواریانس یکطرفه روی میانگین نمرات پس‌آزمون خودرهبری

متغیر	منبع تغییرات	SS	Df	Ms	F	Sig	مجذوراتا
خودیاری در رهبری	پیش‌آزمون	۱/۰۷۸	۱	۱/۰۷۸	۱/۰۶	۰/۷	-
	گروه	۲/۸	۱	۲/۸	۲/۴۱	۰/۱۲	۱/۰۶
	خطا	۴۳/۰۹	۳۷	۱/۱۶			

همان‌طوری که در (۱۰) مشاهده می‌شود با کنترل پیش‌آزمون متغیر خودرهبری، بین افراد گروه‌های آزمایش و کنترل از لحاظ متغیرهای مذکور تفاوت معنی‌داری مشاهده نمی‌شود ($F=2/42$ و $p=0/12$). به عبارت دیگر، آموزش مبتنی بر هشت اصل تربیتی پیامبر بر مؤلفه خودرهبری رشد اجتماعی کودکان مؤثر نیست و باعث افزایش در گروه آزمایش نشده است.

فرضیه پنجم: آموزش مبتنی بر هشت اصل تربیتی پیامبر بر مؤلفه مسائل شغلی رشد اجتماعی کودکان مؤثر است.

جدول ۱۱. نتایج تحلیل کوواریانس یکطرفه بر روی میانگین نمرات پس‌آزمون مسائل شغلی

متغیر	منبع تغییرات	SS	Df	Ms	F	Sig	مجذوراتا
مسائل شغلی	پیش‌آزمون	۶۴/۷	۱	۶۴/۷	۱۴/۴	۰/۰۰۸	-
	گروه	۱۷۳/۰۵	۱	۱۷۳/۰۵	۳۸/۵	۰/۰۰۰	۱/۵۱
	خطا	۶۴/۷	۳۷	۴/۴۸			

همان‌طوری که در (۱۱) مشاهده می‌شود با کنترل پیش‌آزمون متغیر مسائل شغلی، بین افراد گروه‌های آزمایش و کنترل از لحاظ متغیرهای مذکور تفاوت معنی‌داری مشاهده می‌شود ($F=38/5$ و $p=0/000$). به عبارت دیگر، آموزش مبتنی بر هشت اصل تربیتی پیامبر بر مؤلفه مسائل شغلی رشد اجتماعی کودکان مؤثر است و باعث افزایش در گروه آزمایش شده است و ۵۱ درصد تفاوت‌های فردی در نمرات پس‌آزمون متغیر مسائل شغلی مربوط به تأثیر آموزش اصول تربیتی می‌باشد.

فرضیه ششم: آموزش مبتنی بر هشت اصل تربیتی پیامبر بر مؤلفه تحرک و جابجایی رشد اجتماعی کودکان مؤثر است.

جدول ۱۲. نتایج تحلیل کوواریانس یک طرفه بر روی میانگین نمرات پس از آزمون جابجایی و تحرک

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	Sig	مجذورات
	پیش آزمون	۲۲/۱	۱	۲۲/۱	۱۲/۸۹	۰/۰۰۱	-
جابجایی	گروه	۱۳۲/۵	۱	۱۳۲/۵	۷۲/۴	۰/۰۰۰	/۶۴
	خطا	۶۶/۴۵	۳۷	۱/۸			

همان طوری که در جدول (۱۲) مشاهده می شود با کنترل پیش آزمون متغیر جابجایی، بین افراد گروه های آزمایش و کنترل از لحاظ متغیرهای مذکور تفاوت معنی داری مشاهده می شود ($F=72/4$ و $p=0/000$). به عبارت دیگر، آموزش مبتنی بر هشت اصل تربیتی پیامبر بر مؤلفه جابجایی و تحرک رشد اجتماعی کودکان مؤثر است و باعث افزایش در گروه آزمایش شده است و ۶۳ درصد تفاوت های فردی در نمرات پس از آزمون متغیر جابجایی مربوط به تأثیر آموزش اصول تربیتی می باشد.

فرضیه هفتم: آموزش مبتنی بر هشت اصل تربیتی پیامبر بر مؤلفه ارتباط رشد اجتماعی کودکان مؤثر است.

جدول ۱۳. نتایج تحلیل کوواریانس یک طرفه بر روی میانگین نمرات پس از آزمون ارتباط

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	Sig	مجذورات
	پیش آزمون	۲۸/۲۷	۱	۲۸/۲	۱۱/۴۸	۰/۰۰۱	-
ارتباط	گروه	۷۱/۸	۱	۷۱/۸	۲۹/۱	۰/۰۰۰	/۴۴
	خطا	۹۱/۱	۳۷	۲/۴۶			

همان طوری که در جدول (۱۳) مشاهده می شود با کنترل پیش آزمون متغیر ارتباط، بین افراد گروه های آزمایش و کنترل از لحاظ متغیرهای مذکور تفاوت معنی داری مشاهده می شود ($F=29/1$ و $p=0/000$). به عبارت دیگر، آموزش مبتنی بر هشت اصل تربیتی پیامبر

بر مؤلفه ارتباط رشد اجتماعی کودکان مؤثر است و باعث افزایش در گروه آزمایش شده است و ۴۴ درصد تفاوت‌های فردی در نمرات پس‌آزمون متغیر ارتباط مربوط به تأثیر آموزش اصول تربیتی می‌باشد.

فرض هشتم: آموزش مبتنی بر هشت اصل تربیتی پیامبر بر مؤلفه اجتماعی بودن رشد اجتماعی کودکان مؤثر است.

جدول ۱۴. نتایج تحلیل کوواریانس یک‌طرفه بر روی میانگین نمرات پس‌آزمون اجتماعی بودن

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	Sig	مجذورات
اجتماعی بودن	پیش‌آزمون	۱۳/۷	۱	۱۳/۷	۵/۰۵	۰/۰۰۳	-
	گروه	۷۵/۴۵	۱	۷۵/۴۵	۲۷/۸	۰/۰۰۰	/۴۳
	خطا	۱۰۰/۱	۳۷	۲/۷			

همان‌طوری که در جدول (۱۴) مشاهده می‌شود با کنترل پیش‌آزمون متغیر اجتماعی بودن، بین افراد گروه‌های آزمایش و کنترل از لحاظ متغیرهای مذکور تفاوت معنی‌داری مشاهده می‌شود ($p=0/000$ و $F=27/8$). به عبارت دیگر، آموزش مبتنی بر هشت اصل تربیتی پیامبر بر مؤلفه خودیاری در پوشیدن رشد اجتماعی کودکان مؤثر است و باعث افزایش در گروه آزمایش شده است و ۴۳ درصد تفاوت‌های فردی در نمرات پس‌آزمون متغیر خودیاری در پوشیدن مربوط به اثر آموزش اصول تربیتی می‌باشد.

فرض نهم: آموزش مبتنی بر هشت اصل تربیتی پیامبر بر مؤلفه نمره کلی رشد اجتماعی کودکان مؤثر است.

جدول ۱۵. نتایج تحلیل کوواریانس یک‌طرفه بر روی میانگین نمرات پس‌آزمون نمره کلی

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	Sig	مجذورات
نمره کلی	پیش‌آزمون	۲۸۱۱/۲۷	۱	۲۸۱۱/۲۷	۲۲/۵	۰/۰۰۱	-
	گروه	۳۴۵۱/۱	۱	۳۴۵۱/۱	۲۷/۶	۰/۰۰۰	/۴۸
	خطا	۴۶۱۶/۱	۳۷	۱۲۴/۷			

همان‌طوری که در جدول (۱۵) مشاهده می‌شود با کنترل پیش‌آزمون نمره کلی رشد اجتماعی، بین افراد گروه‌های آزمایش و کنترل از لحاظ متغیرهای مذکور تفاوت معنی‌داری مشاهده می‌شود ($p=0/000$ و $F=27/6$). به عبارت دیگر، آموزش مبتنی بر هشت اصل تربیتی پیامبر بر رشد اجتماعی کودکان مؤثر است و باعث افزایش در گروه آزمایش شده است و ۴۸ درصد تفاوت‌های فردی در نمرات پس‌آزمون متغیر رشد اجتماعی مربوط به تأثیر آموزش اصول تربیتی می‌باشد.

جدول ۱۶. نتایج پیگیری

متغیرها	گروه	SS	MS	F	Mean Difference	Sig	Partial Eta Squared
خودیاری عمومی	آزمایش-کنترل (درجه آزادی ۳۷ و ۱)	۲۹۳/۷	۷/۹	۳/۲	۱/۶	۱/۰۸	۱/۰۹
خورداری در پوشیدن	آزمایش-کنترل (درجه آزادی ۳۷ و ۱)	۱۸۲/۲	۴/۹	۲۶/۴	۳/۵	۱/۰۰۱	۰/۴۱
خودیاری در خوردن	آزمایش-کنترل (درجه آزادی ۳۷ و ۱)	۳۲۵/۶	۸/۸	۱/۰۷	۱/۲۵۸	۱/۰۷	۱/۰۲
خود رهبری	آزمایش-کنترل (درجه آزادی ۳۷ و ۱)	۴۳/۵	۱/۱۷	۲/۴	۱/۵۳	۱/۱۲	۱/۰۶
مسائل شغلی	آزمایش-کنترل (درجه آزادی ۳۷ و ۱)	۱۶۷/۹	۴/۵	۳۷/۷	۴/۱	۰/۰۰	۱/۵۰
جایجایی	آزمایش-کنترل (درجه آزادی ۳۷ و ۱)	۸۲/۴	۲/۲	۵۹/۰۴	۳/۶	۰/۰۰	۱/۶۱
ارتباط	آزمایش-کنترل (درجه آزادی ۳۷ و ۱)	۱۰۴/۹	۲/۸۳	۲۷/۴	۲/۷۹	۰/۰۰	۱/۴۲
اجتماعی بودن	آزمایش-کنترل (درجه آزادی ۳۷ و ۱)	۱۱۷/۵	۳/۱	۲۳/۸	۲/۷۶	۰/۰۰	۱/۳۹
نمره کلی	آزمایش-کنترل (درجه آزادی ۳۷ و ۱)	۳۰۳۰/۲	۸۱/۹	۴۵/۵	۱۹/۳	۰/۰۰	۱/۵۵

نتایج نشان می‌دهد که نمرات در سه خرده‌مقیاس خودرهبری، خودیاری عمومی و خودیاری در خوردن معنادار نمی‌باشد و در مابقی مقیاس‌ها تفاوت در دو گروه آزمایش و

کنترل معنادار است. پس به طور کلی نتیجه گرفته می‌شود که برنامه آموزشی مبتنی بر هشت اصل تربیتی پیامبر بر رشد اجتماعی کودکان ۵ تا ۶ سال تأثیر مثبت دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش در تحلیل کوواریانس نشان داد که برنامه آموزشی مبتنی بر هشت اصل تربیتی پیامبر (ص) بر مؤلفه‌های اجتماعی بودن، ارتباط، تحرک و جابجایی، خودیاری در پوشیدن و مسائل شغلی مؤثر بوده است ولی بر سه مؤلفه خودرهبی، خودیاری عمومی و خودیاری در خوردن تأثیری نداشته است و به طور کلی این برنامه آموزشی بر رشد اجتماعی کودکان سنین ۵ تا ۶ سال تأثیر گذار بود. در واقع همانگونه که در قسمت نتایج نشان داده شد ۵ فرض پژوهش مورد تأیید قرار گرفته و ۳ فرض پژوهش مورد تأیید قرار نگرفت و برنامه آموزشی بر سه مؤلفه رشد اجتماعی (خودرهبی، خودیاری عمومی، خودیاری در خوردن) اگرچه تا حدی برای ۳ مؤلفه نیز تأثیر گذار بود ولی تأثیر آن به مقداری نبود که معنادار باشد که این عدم معناداری دو دلیل داشت: اول اینکه تعداد سؤالات مربوط به خرده‌مقیاس خودرهبی بسیار کم بود (۲ سؤال تا سن ۱۰_۱۱ سالگی که جمعاً ۲ نمره را شامل می‌شود) که این حتی در صورتی کسب هر دو نمره در پس‌آزمون سبب معناداری نتایج مربوط به این خرده‌مقیاس نمی‌شد، دوم اینکه بیش‌تر سؤالات مربوط به خرده‌مقیاس خودیاری عمومی و خودیاری در خوردن در قبل از سنین ۵_۶ سالگی جای داده شده بود که معمولاً نمره‌های آن توسط آزمودنی‌ها در همان پیش‌آزمون کسب می‌شد و سؤالات بعد از این سن و نمرات آن به حدی نبود (۳ سؤال مربوط به خرده‌مقیاس خودیاری در خوردن تا سن ۱۲_۱۵ سالگی که جمعاً ۳ نمره را شامل می‌شود و یک سؤال برای خرده‌مقیاس خودیاری عمومی تا سن ۲۵ سال به بالا که ۱ نمره را شامل می‌شود) که حتی اگر توسط آزمودنی کسب بشود سبب معناداری شود. متأسفانه در زمینه موضوع حاضر با در نظر گرفتن اصول تربیتی دینی، پژوهشی صورت پذیرفته و ما نیز مجبوریم تنها به پژوهش‌های مشابهی که در این زمینه وجود دارد اشاره بکنیم، پژوهش‌هایی که تأثیر سال‌های اولیه زندگی را بر رشد اجتماعی کودکان نشان می‌دهند. خانواده، محور آغازین جامعه‌پذیری افراد و تربیت اجتماعی آن‌ها و مهم‌ترین عامل

تداوم نسل، تربیت‌پذیری و رخنه ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در شخصیت کودک می‌باشد (حسینی، ۱۳۹۳؛ نجفی و احمدی، ۱۳۹۱). کودکانی که در سال‌های اولیه زندگی شرایط کافی برای رشد بعد اجتماعی شخصیت آن‌ها فراهم نشده است، نسبت به کودکانی که از این شرایط برخوردار بوده‌اند با مشکلات بیشتری جهت سازگاری با محیط اجتماعی بیرون مواجه می‌شوند (کاساری و همکاران، ۱۹۹۵). ماکوبای و میلان در پژوهش خویش که در سال (۱۹۸۳) انجام دادند، نشان دادند که شیوه ارتباط و روش‌هایی که والدین برای تربیت فرزندان خود برمی‌گزینند تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر رشد اجتماعی، نگرش‌ها، دستاوردهای دانشگاهی و انتخاب‌های شغلی دارد. آینثورث (۱۹۷۸) سال‌های اولیه زندگی در محیط خانواده را مهم‌ترین عامل در رشد اجتماعی فرد می‌داند و می‌گوید کودکانی که از روابط امنی با خانواده خود در سال‌های اولیه زندگی بهره‌مند هستند از رشد اجتماعی بالایی برخوردار بوده و پیوسته جهان و ارتباطات اجتماعی خود را گسترش می‌دهند و نسبت به کودکانی که از محیط تربیتی امنی برخوردار نبوده‌اند میزان یادگیری‌شان از تجارب خود در روابط اجتماعی بیش‌تر است. جاکوب اریکسون نیز در پژوهش‌های خویش در سال (۲۰۱۵) به این نتیجه رسید که سال‌های اولیه زندگی و میزان مراقبت و کنترل کودک در این سال‌ها از عوامل اصلی رشد کودک به ویژه در بعد اجتماعی است. اسمیت نیز در پژوهش خویش که در سال (۲۰۰۴) انجام داد، وجود محیط امن خانوادگی و ارتباط با والدینی سالم از لحاظ روانشناختی را از جمله مهم‌ترین عوامل در رشد اجتماعی و علاقه اجتماعی فرد می‌داند. توکر (۲۰۰۸) در پژوهش خویش نشان داد که ارتباط با هم‌شیرها در سال‌های آغازین زندگی عامل مهمی در رشد اجتماعی و عاطفی کودک می‌باشد، وی بیان می‌کند که هرچه میزان این ارتباط بیش‌تر باشد فرد از رشد اجتماعی و عاطفی بیش‌تری برخوردار خواهد بود و کودکانی که این ارتباط را در سال‌های آغازین زندگی تجربه نکرده‌اند نسبت به کودکانی که این ارتباط را تجربه کرده‌اند معمولاً از رشد اجتماعی و عاطفی کم‌تری برخوردار هستند. هنری‌تی‌استین (۱۹۹۷) تأثیر سبک‌های تربیتی والدین را به عنوان عامل تعیین‌کننده میزان رشد کودک در ابعاد مختلف به ویژه بعد عاطفی و اجتماعی نشان می‌دهد و به خوبی پیامدهای هر یک از سبک‌های تربیتی را در دوران کودکی و بزرگسالی روشن

می‌کند. دنهام (۲۰۰۹) نیز بیان می‌کند چند سال آغازین زندگی و سبک والدگری والدین، به شدت در رشد عاطفی و اجتماعی کودک مؤثر است. والدینی که به شیوه‌ای حمایتی، مؤثر و گرم با کودک برخورد می‌کنند، معمولاً فرزندان‌شان از رشد اجتماعی و عاطفی مناسبی برخوردار می‌باشند، همچنین والدینی که از شیوه سهل‌گیرانه و منضبط در تربیت کودک استفاده می‌کنند معمولاً فرزندان‌شان رشد عاطفی و اجتماعی پایین‌تر و اضطراب، پرخاشگری، ناسازگاری و بزهکاری بیش‌تری نشان می‌دهند، همچنین والدینی که از سبک تربیتی خشن و شدیداً منضبط در برخورد با کودک استفاده می‌کنند فرزندان‌شان از رشد اجتماعی و عاطفی پایین و دستاوردهای تحصیلی و دانشگاهی اندکی برخوردار خواهند بود (دنهام، ۲۰۰۹؛ داویس و کومینگ، ۱۹۹۴). دگرگون شدن ویژگی‌های جمعیت‌شناختی کشورها، ضرورت آگاهی فرهنگی در همه فعالیت‌ها به ویژه فعالیت‌های درمانی را که ریشه در روابط میان‌فردی دارد نشان می‌دهد که ظهور رویکردهای یکپارچه‌نگر و چندفرهنگ‌گرایی به خوبی بر این واقعیت صحنه می‌گذارد. اغراق نباشد تمامی رویکردهای درمانی و اصول آموزشی در سنین مختلف در عرصه روان‌شناسی و مشاوره توسط سفیدپوستان غربی و متناسب با جامعه و فرهنگ خودشان شکل گرفته است و به کارگیری آن در جوامع دیگر نظیر جامعه خودمان بدون در نظر گرفتن ابعاد فرهنگی آن نه تنها تأثیرگذار نخواهد بود بلکه تأثیرات منفی نیز به دنبال خواهد داشت لذا درمانگران در صورتی خواهند توانست که وظایف خود را به خوبی انجام بدهند که از رویکردها و اصول درمانی و تربیتی استفاده نکنند که نشأت گرفته از فرهنگ خودشان باشد که از یک‌طرف پذیرش آن برای مراجعین آسان‌تر و از طرف دیگر تأثیرگذاری آن نیز دوچندان خواهد بود. پژوهش حاضر در راستای کمک به تحقق هدف بومی‌سازی در عرصه روان‌شناسی و تربیتی با طراحی برنامه آموزشی مبتنی بر اصول تربیتی پیامبر اکرم (ص) در جهت کمک به رشد اجتماعی کودکان ۵-۶ سال به نتایج معناداری دست پیدا کرده که تأثیرگذاری این برنامه آموزشی را بر این بعد رشدی کودک به خوبی نشان می‌دهد لذا تمامی مسئولین تربیتی فرزندان این سرزمین از جمله والدین، مشاورین و روان‌شناسان و سایر فعالان در عرصه بهداشت و روان

توصیه می‌شود که این برنامه تربیتی را جهت پرورش این بعد رشدی کودک مورد استفاده قرار بدهند.

منابع

- احمدی، احمد. (۱۳۷۱). *روانشناسی نوجوانان و جوانان*. تهران: انتشارات ترمه.
- ابن بابویه، شیخ صدوق. (۱۳۶۸). *من لایحضر الفقیه*، مترجم علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق.
- علوی، حمیدرضا؛ شریعتمداری، علی. (۱۳۸۵). بررسی تطبیقی آراء تربیتی ژان ژاک روسو و اسلام. *مجله علوم تربیتی و روانشناسی*، دوره سیزدهم (۲)، ۱-۳۰.
- قرآن کریم، مترجم الهی قمشه‌ای، خط عثمان طه.
- پارسا، محمد. (۱۳۷۱). *روانشناسی رشد کودک و نوجوان*، تهران: انتشارات بعثت.
- کری، جerald. (۱۳۹۲). *نظریه و کاربرست مشاوره و روان‌درمانی*. ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: ارسباران.
- شولتز، دوان پی؛ شولتز، سیدنی ال. (۱۳۹۲). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: انتشارات ویرایش.
- پروچاسکا، جیمز؛ نورکراس، جان سی. (۱۳۹۱). *نظریه‌های روان‌درمانی*. ترجمه هامایاک آوادیس یانس، تهران: انتشارات رشد.
- فیست، جس؛ فیست، گریگوری. (۲۰۰۲). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: انتشارات روان.
- فقیهی، علی نقی. (۱۳۸۵). مبانی و اصول تربیتی در روابط زن و شوهر از منظر قرآن و حدیث. دوره دوم (۳)، ۱۷۵-۲۱۶.
- لاریجانی، زرین‌السادات؛ رزاقی، نسرین. (۱۳۸۶). بررسی کاربرد هنرهای نمایشی در رشد اجتماعی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی. *مجله پژوهش در حیطه کودکان استثنایی*، دوره دوم (۱)، ۴۳-۵۲.

- عمارتی، فرشته‌السادات؛ نمازی‌زاده، مهدی؛ مختاری، پونه؛ محمدیان، فاطمه. (۱۳۹۰). تأثیر بازی‌های دبستانی منتخب بر رشد ادراکی_ حرکتی و رشد اجتماعی دختران ۹_۸ سال. *مجله پژوهش در علوم توانبخشی*، دوره هفتم (۵)، ۶۶۱_۶۷۳.
- جلیوند، مریم؛ غباری‌بناب، قادر. (۱۳۸۳). بررسی تأثیر هنرهای نمایشی در رشد اجتماعی کودکان ۹_۱۲ سال. *پژوهش در حیطه کودکان استثنایی*، دوره چهارم (۱_۴)، ۶۳_۷۸.
- آقاپور، سیدمهدی؛ جمشیدیها، غلامرضا؛ فرخی، محمد. (۱۳۸۲). بررسی فراتحلیل تعامل رشد حرکتی و اجتماعی. *نشریه حرکت*، دوره دوم (۲۷)، ۱۵۳_۱۷۱.
- جعفری، علیرضا. (۱۳۹۳). تأثیر بازی‌های آموزشی بر رشد اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی. *فصلنامه روانشناسی تربیتی*، دوره نهم (۳۳)، ۷۱_۸۵.
- قبادیان، مسلم؛ سیف‌نراقی، مریم؛ نادری، عزت‌الله؛ شریعتمداری، علی. (۱۳۹۰). اجتماع‌پژوهی روشی مؤثر بر رشد اجتماعی کودکان. *فصلنامه تفکر و کودک*، دوره دوم (۲)، ۳۷_۵۸.
- فاضل کلخوران، جمال؛ همایون‌نیا، مرتضی؛ محمدزاده، محمدرضا. (۱۳۹۴). تأثیر بازی دبستانی بر رشد اجتماعی کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر. *فصلنامه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت*، دوره سوم (۳)، ۲۶۶_۲۷۶.
- ابری، ساره؛ حاج‌یوسفی، علی؛ حاج‌بابایی، حسین، رهگذر، مهدی. (۱۳۹۰). مقایسه رشد اجتماعی کودکان ۳_۶ سال برخوردار و محروم از خدمات روستامهددا. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، دوره یازدهم (۴۱)، ۳۴۳_۳۶۸.
- مهدی، مینا؛ فولادچنگ، محبوبه. (۱۳۹۱). نقش دلبستگی به والدین در پیشرفت تحصیلی با واسطه‌گری خودکارآمدی. *فصلنامه روانشناسی کاربردی*، دوره ششم (۱۱)، ۸۸_۱۰۲.
- مقتدری، نازفر؛ رفاهی، ژاله. (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش ارزش‌های زندگی بر رشد اجتماعی کودکان و خودکارآمدی والدین آن‌ها. *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، دوره دوم (۳۰)، ۳۹_۴۷.

- کافی، سیدموسی؛ زینعلی، شینا؛ خسروجاوید، مهناز؛ میانه‌نهری، فریده. (۱۳۹۲). مقایسه ویژگی‌های رفتاری و رشد اجتماعی کودکان با و بدون ناتوانی‌های یادگیری. *مجله ناتوانی‌های یادگیری*، دوره دوم (۴)، ۱۲۴-۱۳۹.
- نظیری، محمد. (۱۳۸۱). بررسی تأثیر برنامه‌های ماهره‌ای بر رشد اجتماعی نوجوانان. *پژوهش‌های اجتماعی*، دوره ششم (۵)، ۱۲۹-۱۴۱.

- William, D., Richard, L. (2008). Child and adolescent development an advanced course. Newjersy: INC.
- Dowling, L. (2005). Young children personal, social and emotional development. New York, Wiely.
- Noor A, Rosli.(2009). Effect of parenting styles on children emotional and behavioral problems among different ethnicities of muslim children in the USA. Marquette University.
- Educational Consultancy and Research Center. (2014). The effect of the value education programme on 5 _ 6 years old children social development : social skills, psycho _ social development and social problems solving skills.14(1), 262 _ 268.
- Ashley, J.(2010). Cultural differences : their effect on social skill development. Social work theses,1 (4).
- Sophie, M.(2013). Socio _ economic inequality and socio _ emotional relationship quality: cause and effect?. Columbia, 16(2),230 _ 242.
- Frances L. V., Michelle F. M., Joyce L. E., Chrishana M. L. (2013). The impact of family involvement on the education of children .Mdr: Building knowledge to improve social policy.